نگاهی به روش تفسیری ابوالفضل برقعی ـ زینب اقارب‌پرست
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال پانزدهم، شماره ۵۹ «ویژه قرآن‌بسندگی»، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۷۶-۱۸۸

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

نگاهی به روش تفسیری ابوالفضل برقعی

زینب اقارب‌پرست*

چکیده: در این گفتار، روش تفسیری ابوالفضل برقعی بر اساس دو کتاب او، احکام القرآن و تضاد مفاتیح با قرآن استخراج و پس از آن نقد و بررسی شده است. رویکرد او قرآن بسندگی یعنی اکتفا به قرآن بدون رجوع به منبع دیگری، اعمّ از حدیث و تاریخ و اجماع است. در این مقاله با ذکر نمونه‌هایی از رجوع شخص برقعی به این منابع، روشن می‌شود که او خود به مبنایش پایبند نیست. بعلاوه بر مبنای ادلّه‌ای که بیان شده، این مبنا پذیرفتنی نیست.

کلیدواژه‌ها: برقعی، ابوالفضل - نقد و بررسی؛ احکام القرآن (کتاب)؛ تضادّ مفاتیح با قرآن (کتاب)؛ قرآن‌بسندگی.

*. کارشناس ارشد تفسیر اثری zagharebparast@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

مقدمه

و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم (نحل/۴۴)

«و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی»

قرآن کریم کتابی در جهت هدایت انسان‌های اعصار گوناگون است. نزول این کتاب، از الطاف الهی است که توسط پیامبرﷺ برای بشریت به ارمغان آورده شده است. فهم قرآن، وابسته به پذیرش سنّت نبوی است. در سنّت نبوی نیز هم چون حدیث ثقلین، همراهی همیشگی قرآن و عترت توصیه شده است. به علاوه در خود قرآن، رابطهٔ تبیینی پیامبر اکرمﷺ با آیات، مورد تأکید قرار گرفته است.

اما برخی از نویسندگان این مطلب را انکار نموده، درصدد برداشت تمامی معارف و عقاید و احکام از قرآن بدون مراجعه به روایات و سنّت نبوی برآمده‌اند. مدعای این مقاله این است که اکتفا کردن به قرآن در تفسیر ممکن نیست؛ زیرا پیامبرﷺ هدایت امت و گمراه نشدن آنها را در صورتی تضمین فرموده که هم به قرآن و هم به عترت ـ هر دوـ تمسک نمایند. (عبدالنبی، روش صحیح تفسیر قرآن، ص ۹) از سویی به عنوان یکی از مصادیق قطعی برای دریافت آیات الاحکام و متشابهات، مراجعه به سنت نبوی ضروری است. در حقیقت این گروه نویسندگان معتقدند که در تفسیر تمام آیات قرآن - حتی آیات الاحکام - بی‌نیاز از رجوع به اهل بیت‌علیهم‌السلام هستند و صرفاً با تکیه بر ادبیات عرب و دیگر آیات می‌توانند به مقاصد تمامی آیات قرآن دست یابند. ابوالفضل برقعی یکی از آن نویسندگان است که بر مبنای همین اعتقاد، کتاب آیات الاحکام نوشته و در نوشتار دیگر، کتاب مفاتیح الجنان را به نقد کشیده است.

در این مقاله برآنیم که با توجه به ادعاهای خود برقعی و دلایلی که ارائه می‌دهد،

روش او را دریافته و نقد کنیم.

ابتدا با بررسی مقدمهٔ دو کتاب «تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن» و «احکام القرآن»، روش تفسیری برقعی ارائه و سپس نقد شده است.

تبیین موضوع تحقیق

برخی از نویسندگان تأکید دارند که باورهای دینی خود را فقط از قرآن برگرفته‌اند و این رویکرد خود را «بازگشت به قرآن» می‌نامند. آنان به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویا رجوع به حدیث صحیح نیست و کلیهٔ مباحث اعتقادی صرفاً باید از قرآن گرفته شود. به همین منظور، متن احادیث را بر اساس آنچه خود از ظاهر قرآن می‌فهمند، به نقد می‌کشند. باید گفت: استفاده از ظاهر قرآن با رعایت ضوابط آن در بین مفسران امری درست و رایج است، اما روش آنها در برداشت از همین ظاهر که نهایتاً به تخطئهٔ روایات می‌انجامد، نیز قابل مناقشه است. در حقیقت این گروه نویسندگان معتقدند که در تفسیر تمام آیات قرآن حتی آیات الاحکام، بی‌نیاز از رجوع به پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام هستند و صرفاً با تکیه بر ادبیات عرب و دیگر آیات، می‌توانند به مقاصد تمامی آیات قرآن دست یابند.

ابوالفضل برقعی به دنبالهٔ حرکتی مبنی بر «تفسیر آیات قرآن بدون مراجعه به اهل بیت» کتابهایی نوشته است، از جمله دو کتاب «احکام القرآن» و «تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن». وی در این کتابها بر تفسیر قرآن بدون مراجعه به اهل بیت تأکید دارد و با تکیه بر این روش، به تفسیر آیات قرآن پرداخته است.

در این نوشتار در تلاشیم تا روش تفسیر برقعی را با توجه به بعضی کتابها و ادعاهای خودش اتخاذ نموده و آن را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

۱. بررسی روش تفسیری برقعی

۱-۱. طرح مساله

برقعی برداشت‌هایی از آیات قرآن دارد که بنابر آن، نقدهایی بر اعتقادات شیعه وارد نموده است. به منظور دریافت نقدهای برقعی و تحلیل این نقدها لازم است در ابتدا روش تفسیری او را مورد مداقه و کنکاش قرار داد. برای این منظور باید دو کتاب تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن و احکام القرآن او بررسی شود. آیا برقعی در این دو کتاب بر روش خود تصریح نموده است؟ برای استخراج روش برقعی چه راه‌هایی وجود دارد؟ آیا با توجه به ادعا و دلایل وی در این دو کتاب، می‌توان روش تفسیری او را استنباط نمود؟ آیا وی به روش تفسیری مورد ادعای خود پای بند بوده است و یا با تضاد روشی مواجه است؟ آیا روش او صحیح است و می‌تواند پاسخ‌گوی تفسیر همهٔ قرآن باشد؟

۱-۲. مفهوم روش تفسیری

فهم روش‌مند و مضبوط کلام خداوند، از ضروری‌ترین و ارزشمندترین رشته‌های دانش در حوزهٔ معرفت دینی محسوب می‌گردد. (سعیدی روشن، علوم قرآن، ص ۲۲۸) مفسر کلام الهی به استناد یک سلسله اصول و مبانی تثبیت یافته و در پرتوی ابزارها و روش‌های مناسب، در پی رهیافتی تازه و نتایجی نو از مفاهیم نهفته در آیات تشریعی خداوند است. (همان، ص ۲۲۲) معمولاً مفسران روش‌مندی که از پیش، روش تفسیری خود را شناخته و معرفی کرده‌اند، در تفسیر قرآن از دیگران موفق‌تر بوده‌اند. (رضایی اصفهانی، *منطق تفسیرقرآن*(۲)، ص ۲۲)

استخراج روش تفسیری مفسران معمولاً به دو طریق حاصل می‌گردد؛ یا خود آنها مستقیماً تصریح می‌کنند یا به طور غیرمستقیم بر اساس مقدمهٔ کتاب آنان و شواهد دیگر موجود در کتابشان و به طور فحوایی و ضمنی قابل برداشت است. (عمید زنجانی، *مبانی و روشهای تفسیر قرآن*، ص ۹)

برقعی در دو کتاب «تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن» و «احکام القرآن»، تصریح روشنی بر روش تفسیری خود نکرده، اما با توجه به دو گروه شاهد در نوشتارش ـ به خصوص در مقدمه ـ می‌توان روش او را به طور غیر مستقیم برداشت نمود. ابتدا این دو گروه شواهد ـ ادعاها و دلایل ـ ذکر می‌گردد و سپس روش او برداشت خواهد شد.

۲-۱-۱. ادعاهای برقعی

از جمله ادعاهای برقعی در مقدمهٔ دو کتاب مذکور، چنین است:

اول) تمام حقایق دین و حتی احکام در قرآن بیان شده است و هر فرد مطلعی می‌تواند آن را استخراج کند. وی می‌نویسد:

«آنچه ما یحتاج بشر بوده از معارف و احکام، همه و همه در قرآن بیان شده و باید زحمت کشید و از آن استخراج نمود. ولی عده‌ای از مردم بی‌اطلاع، زحمت نکشیده، می‌گویند: کجای قرآن فرموده نماز واجب پنج است و کجای قرآن فلان چیز را گفته؟ باید به ایشان گفت: بلی خدا دروغ نگفته، همهٔ اینها در قرآن است. تو نمی‌توانی استخراج کنی، تو دانشت کم است و از قرآن بی‌خبری، بیا کتاب احکام القرآن را بخوان تا مطلع شوی...» (برقعی، *احکام القرآن*، ص ۱۶)

معنای این ادعا آن است که تمام احکام و جزئیات هم در کتاب خدا وجود دارد و هر فرد با خبری می‌تواند آن را بدون در نظر گرفتن سنت و غیره استخراج کند.

دوم) تمامی احکام از قرآن، توسط هر فردی ـ که حتی احاطهٔ کامل به قرآن ندارد ـ قابل استخراج است. می‌نویسد:

«پس کسانی که می‌خواهند در مطالب دینی مقلد باشند بیایند مقلد خدا و قرآن باشند و از این رساله که مستخرج از قرآن است استفاده کنند... ما مدعی عصمت نیستیم و ادعای احاطه به تمام قرآن نداریم و اگر کسی بهتر از ما بتواند احکام خدا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

را از قرآن استخراج کند این کار را بکند...» (همان، ص ۱۹)

این جملات نشان می‌دهد که او قصد داشته ـ با وجود اقرار به عدم احاطهٔ کامل به قرآن ـ تمام احکام را از قرآن به تنهایی استخراج نماید.

سوم) می‌توان رساله‌ای کامل در احکام و تکالیف و عقاید از قرآن برداشت نمود. برقعی کتاب «احکام القرآن» را در پاسخ به درخواست رساله‌ای قرآنی نوشته و در آن، درصدد استنباط احکام و عقاید و تکالیف از قرآن بوده است. می‌نویسد:

«آن بندهٔ دل آگاه که نامش محسن بن عبدالله باشد، پیشنهاد نمود که آنچه از عقائد و احکام وتکالیف از قرآن استفاده و استنباط می‌شود، به نام احکام القرآن، استخراج نمایم به طور ساده و آسان، برای پارسی‌زبانان تا رسالهٔ جامعه‌ای باشد برای مکلفین و ذخیره‌ای گردد برای یوم دین..» (همان، ص ۴)

با توجه به این ادعاها برای دست‌یابی به روش تفسیری برقعی، ادعاهای او در مقدمهٔ دو کتاب یاد شده بررسی شد. این بررسی نشان داد که او قصد داشته قرآن را به تنهایی و بدون مراجعه به روایات تفسیر کند و حتی تمامی احکام را از قرآن استنباط کند. به علاوه هر گونه اقدام دیگری (تفسیر با توجه به روایت) را غلط می‌پندارد.

۲-۱-۲. دلایل برقعی در جهت اثبات ادعایش

گروه دوم شاهد غیر مستقیم بر روش تفسیری برقعی دلایلی هستند که برقعی در مقدمهٔ دو کتاب مذکور به آن اشاره می‌کند.

آیا دلایل مطرح شده توسط برقعی، روشن کنندهٔ روش تفسیری او خواهد بود؟ در پاسخ به این سؤال، دلایل برقعی را در کتاب «تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن» مورد بررسی قرار می‌دهیم:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

الف) دلایل مطرح شده در کتاب «تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن»

برقعی در مقدمهٔ این کتاب، قبل از شروع نقد مفاتیح الجنان بر اساس برداشتهای خودش از قرآن، دلایلی مبتنی بر انحصار هدایت به وسیله قرآن آورده است. دلایل او چنین است:

«بدان که خدا در چندین آیه از قرآن، هدایت را منحصر به هدایت قرآن نموده، و قرآن را هادی و راهنمای مسلمین قرار داده است. در آیات ۱۲۰ سورهٔ بقره و ۷۱ سوره انعام و آیات دیگر فرموده: «قل ان هدی الله هو الهدی» (البقره:۱۲۰؛ الأنعام: ۷۱)؛ «بگو: هدایت خدای تعالی فقط هدایت است.»

و فرموده: «ذَالِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِين» (البقره:۲)؛ «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است».

و مکرر فرموده: «هُدًى لِّلنَّاسِ ...» (البقره: ۱۸۵)؛ «رهنمای است برای مردم.»

و: «هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ...» (آل عمران: ۱۳۸)؛ «بیانی است برای مردم.»

و آیهٔ: «يا ايها الناس قَدْ جَاءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِين» (یونس: ۵۷)

«ای مردم، از [سوی] پروردگارتان پندی [برای] شما آمده است و شفایی برای آن [دردی] که در سینه‌هاست و رهنمود و بخشایشی برای مؤمنان». ...» (برقعی، *تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن*، ص ۱)

در پاسخ این مدّعا باید گفت: ادعای برقعی آن است که هدایت تنها به وسیلهٔ قرآن امکان‌پذیر است، ولی این ادعا از آیات مذکور قابل برداشت نیست، بلکه مطابق این آیات، هدایت در «هدایت الله» حصر شده است که می‌تواند به وسیله قرآن، یا بیان آن به توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت گرامی ایشان علیهم السلام باشد. اما برقعی هدایت را بدون دلیل، منحصر در هدایت قرآن می‌داند که مخالف حدیث

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

ثقلین است. زیرا مطابق این حدیث، هدایت موکول به دو ثقل قرآن و عترت و همراهی این دو شده است. همچنین مخالف خود قرآن است، آن جا که خطاب به پیامبر اسلامﷺ می‌فرماید: «إِنَّكَ لَتَهْدِی إِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ» (شوری/۵۲)؛ «و به راستی که تو، به خوبی به راه راست هدایت می‌کنی.»

در این آیه، علاوه بر قرآن، پیامبر اکرمﷺ نیز وسیلهٔ هدایت معرفی شده‌اند.

باری، این دلیل را برقعی در مقدمهٔ کتاب مذکور ذکر کرده ـ هر چند به روش تفسیری خود صراحتی ننموده ـ و بعد مطابق همین روش، مفاتیح الجنان را به نقد کشیده است. لذا با ردّ نمودن آن، در حقیقت روش تفسیری برقعی و طریق استنباط او از آیات قرآن، زیر سؤال می‌رود!

در مقدمهٔ «احکام القرآن» نیز برقعی ادعاهایی آورده که برای استنتاج روش تفسیری قابل ذکر است.

ب) دلایل مطرح شده در کتاب احکام القرآن

در مقدمهٔ این کتاب، برقعی ادعا کرده که قرآن، به تنهایی موجب هدایت است و از هر جهت کافی است و عقائد و احکام از قرآن استنباط می‌شود. می‌نویسد:

الف) «تمام قرآن قابل فهم است برای طالبین.» (برقعی، احکام القرآن، ص ۶)

ب) «قرآن تمام محکمات و متشابهاتش قابل فهم و ترجمه می‌باشد.» (همان، ص ۷)

ج) ذیل عنوان «کسی که آسان را نمی‌فهمد، چگونه مشکل را بفهمد»، نوشته است: «گاهی می‌گویند در ترجمه و فهم آیات قرآن، باید به اخبار کتب حدیث مراجعه کرد. جواب این است که اخبار و احادیث عربی مشکل‌تر از قرآن است، چنانچه خود اهل عصمت فرموده‌اند: «احادیثنا صعب مستصعب»، یعنی احادیث ما سخت و بسیار مشکل است. حال باید از ایشان پرسید کسی که قرآن ساده را نمی‌فهمد چگونه اخبار مشکله را بفهمد؟ آیا این زورگویی را روا می‌دارید ما منکر خبر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

صحیح نیستیم، ولی قرآن را واضح‌تر از خبر می‌دانیم و اگر بخواهیم قرآن را به توسط خبر بفهمیم، مبتلا به ضد و نقیض‌گویی می‌شویم؛ زیرا اخبار ضد و نقیض و دروغ بسیار دارد. اخبار خرافاتی که به نام رسول و امام تراشیده و جعل کرده‌اند، قرآن را از اعتبار می‌اندازد.» (همان، ص ۱۱)

د) ذیل عنوان «آیا برای مطالب اسلامی میزانی نیست»، آورده است: «یک عده مردمِ از همه جا بی‌خبر می‌گویند: قرآن را با خبر بسنجید و معنی صحیح آن را از خبر استفاده کنید...» (همان، ص ۱۵)

ه) ذیل عنوان «رسول و امام قرآن را حجتی جامع خوانده‌اند» می‌نویسد: «... تمام احکام از جزئی و کلی در قرآن موجود است، ولی فقها در کتب خود از احادیث و قواعد اصولی و اقوال بسیار استدلال می‌کنند، اما چیزی که کمتر در کتب ایشان به چشم می‌خورد، استدلال به آیات است. می‌توان گفت قرآن واقعا مهجور و متروک شده و غریب گشته ...» (همان، ص ۱۵)

طبق این بیان او اعتقاد داشته که تمامی احکام در قرآن موجود است. و رجوع به حدیث را بی‌فایده می‌بیند. البته چنانکه خواهیم دید، او خود نیز به سنت استناد نموده است.

۲-۲. نقد روش برقعی

قرآن کریم منشور جامع و کامل هدایت تشریعی الهی است که از محدوده زمان و مکان گذر کرده و تشنگان حقیقت را به قدر تشنگی سیراب می‌کند. این کتاب الهی به دلیل چند چهره و لایه لایه بودنش، چنان است که هر کس بر اساس دانش و توان خود از این سفرهٔ گستردی الهی خوشه چینی می‌کند. در طول تاریخ، صدها تفسیر در مورد قرآن نوشته شده و باز هم نوشته می‌شود، اما نیاز ما به تفسیر هنوز پا برجاست. (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر(۱)، ج۱، ص۲۹)، گرچه هر مفسری برای تفسیر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

خود روشی اتخاذ می‌نماید.

همان گونه که مطرح شد، روش برقعی بر مبنای «قرآن بسندگی» و عدم رجوع به سنت نبوی و روایات می‌باشد. این روش به دو گونه نقد می‌گردد:

الف) اولین مورد، نقد علی المبنا است، یعنی: متعهد نبودن وی بر روش مدعایش و نیز عدم ثبات فکری او. وی در دو کتاب یاد شده گاه به قرآن کریم بسنده نموده و گاه به سنت و یا روایت و یا حتی اجماع و تاریخ استناد می‌کند. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌نماییم:

یک. برقعی ضمن بررسی مناجات خمسه عشر چنین می‌نویسد:

«به هر حال ما کلمات این ادعیه و مناجات‌ها را با قرآن و سنت رسولﷺ می‌سنجیم و اگر چه از امام باشد اگر موافق کتاب خدا باشد قبول اگر نه رد.» (برقعی، تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن، ص ۳۸)

در اینجا به قرآن و سنت استناد نموده است.

دو. در فصل مربوط به اعمال روز بیست و هفتم رجب می‌نویسد: «[شیخ عباس قمی] گوید: در روز بیست و هفتم رجب، رسول خداﷺ به رسالت مبعوث گردید. و این نیز موافق با قرآن نیست، زیرا قرآن بعثت رسول خداﷺ را در ماه رمضان ذکر نموده، چنانکه می‌فرماید: شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن. (البقره: ۱۸۵) «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده». و بحار و وسائل و سایر کتب نیز از حضرت رضا نقل کرده‌اند که فرمود: «إن شهر رمضان هو الشهر الذی أنزل الله فیه القرآن وفیه نبئ محمدﷺ»، یعنی، «همانا ماه رمضان ماهی است که در آن خدا قرآن را نازل نمود و در آن، محمدﷺ به نبوت مبعوث گردید». بنابراین، بعثت پیامبرﷺ در ماه رمضان در شب قدر می‌باشد، چنانکه خدا فرمود: انا انزلناه فی لیلة القدر. (القدر: ۱) «ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم.» (همان، ص ۴۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

در این مورد نیز، برقعی علاوه بر قرآن به روایات هم استناد کرده است.

سه. در نقد اذن دخول حرمها و مزارها بیان می‌کند: «در این اذن دخول بی‌مدرک، هر چه خواسته از خرافات عقاید به هم بافته که نه با دین موافقت دارد و نه با تاریخ، از قبیل این که گوید: «ملوکنا أفضل المخلوقین» و این دروغ است. و گوید: «من أئمة المعصومین»، در حالی که آنان خود را گناهکار دانسته‌اند، و غیر اینها که ذکرش با اختصار این کتاب نمی‌گنجد.» (همان، ص ۷۲)

اینجا تاریخ هم جزء معیار برقعی شده است.

چهار. در نقد زیارت ششم از حضرت امیر می‌گوید: «سپس باز از حضرت امیر تملقاتی کرده و گوید: ...تا می‌رسد به اینکه: «السلام علی الأصل القدیم والفرع الکریم، السلام علی الثمر الجنیّ»، یعنی، سلام بر تو که هم اصل قدیمی و هم فرع آن و هم میوهٔ چیده شدهٔ آن، با اینکه به اجماع مسلمین اصل قدیم فقط خدا است، و باقیِ موجودات همه حادثند، و کسی که غیر خدا را قدیم بداند مشرک است.» (همان، ص۹۶)

در اینجا به اجماع مسلمین استناد جسته است، نه به قرآن.

ب) دومین نقد بر روش تفسیری برقعی -که در حقیقت نقدی مبنایی و بر پایهٔ اصول مورد قبول عامهٔ مسلمانها است- عدم توجه وی نسبت به سنت نبوی می‌باشد. این نقد که نقضی می‌باشد، مبتنی بر استدلال به آیات الاحکام و چگونگی تفسیر این آیات است. می‌دانیم که قرآن کتاب هدایت بشر است و مراد از جزئیات آیات الاحکام، بدون رجوع به سنت امکان ندارد. ضرورت رجوع به روایات نبوی از اینجا روشن می‌گردد. به بیان دیگر، در صورت رجوع نکردن به سنت و عمل نکردن به آن آیات الاحکام، در حقیقت آن آیات را لغو دانسته و به مراد الهی از نزول آن آیات دست نیافته‌ایم. بنابراین در اینجا دیدگاه مورد اجماع همهٔ مسلمانان صحیح است که جزئیات احکام، در قرآن وجود ندارد و باید به سنت رجوع کرد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

چرا که وقتی خداوند احکامی را در قرآن تشریح نموده، منظور او قطعا انجام آن احکام با تمام جزئیات آن بوده است. وقتی خداوند متعال در قرآن به صورت کلی امر به نماز می‌فرماید: «اقیموا الصلوة»، مراد الهی تعداد رکعات و تشهد و بقیهٔ ارکان نماز نیز هست که در قرآن بیان نشده و با مراجعه به سنت نبوی مشخص می‌شوند. در این صورت است که هدایت ما از آن آیه به انجام می‌رسد و ما به مراد دین الهی دست یافته‌ایم. در مورد میزان بودن نیز، شایان ذکر است که چگونه قرآن برای نماز صحیح میزان خواهد بود؟ ملاک میزان شدن قرآن در مورد نماز چیست؟! پس در بقیهٔ موارد نیز نباید به دلیل میزان بودن قرآن، از رجوع به سنت نبوی خودداری کرد.

می‌بینیم که در آیات الاحکام، با وجود مراجعه به روایت، هدایت بودن و میزان بودن قرآن پابرجاست. به همین استدلال، در مورد آیات دیگر نیز، در صورت رجوع به روایت - پس از بررسی‌های دقیق علمی- قرآن از هادی و میزان بودن نخواهد افتاد. به هر حال، این استدلال باطل و نادرست است که کسی بگوید: چون قرآن میزان بوده و باعث هدایت است، برای ما کافی است و ما بی‌نیاز از رجوع به سنت هستیم؛ چرا که در آیات الاحکام نیز به سنت رجوع می‌کنیم و در عین حال هدایت و میزان بودن قرآن حفظ می‌شود.

اما روش تفسیری برقعی، قرآن بسندگی است. یعنی به نظر او، تمام معارف و عقاید و احکام را از قرآن بدون رجوع به روایت می‌توان استخراج کرد. نقد نقضی این روش، آن است که جزئیات احکام در قرآن موجود نیست؛ چنانکه خود وی به این روش چندان پایبند نمانده است. در بررسی این دو کتاب و مصادیق آن دیدیم که گاه فقط به سنت، گاه فقط به قرآن، گاهی به اجماع و حتی برخی مواقع به ترکیب سنت و قرآن استدلال کرده است. این رویکردها می‌رساند که او پایداری

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]

و ثبات لازم ندارد و تزلزل فکری وی را نشان می‌دهد.

۲. نتیجه‌گیری

نتایج حاصله از بررسی روش تفسیر برقعی را می‌توان در محورهای ذیل دسته‌بندی نمود:

۱) آقای برقعی بر روش تفسیری خود تصریحی نکرده، اما با بررسی ادعاها و دلایل مذکور در کتاب «تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن» و نیز «احکام القرآن»، می‌توان روش مورد نظر وی را استنباط نمود. البته عدم پایبندی به این روش در کتاب‌های او مشهود است.

۲) روش تفسیری برقعی، گاه براساس قرآن به تنهایی و گاه سنت و قرآن است، هر چند گاهی به تاریخ و اجماع نیز استناد نموده است.

۳) با توجه به اینکه روش تفسیری خاص برقعی، منتجّ به اشکالات مبنایی و علی المبنا گردید، می‌توان دریافت که این روش، روش صحیحی برای تفسیر قرآن نیست.

منابع

قرآن کریم

۱. برقعی، ابو الفضل، *احکام القرآن*، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ دوم.

۲. برقعی، ابوالفضل، تضاد مفاتیح الجنان با آیات قرآن، ۱۳۹۳ق.

۳. جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران*، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشهٔ معاصر، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش.

۴. رضایی اصفهانی، محمد علی، *منطق تفسیر(۱)*، قم، جامعة المصطفی، ۱۳۸۷ش.

۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، *منطق تفسیرقرآن(۲)*، قم، جامعة المصطفی۲۲، ۱۳۸۷ش.

۶. سعیدی روشن، محمد باقر، *علوم قرآن*، قم، موسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۷۷ش.

۷. عبد النبی مهدی، *روش صحیح تفسیر قرآن*، مرکز فرهنگی انتشارات منیر، ۱۳۸۵ش.

۸. عمید زنجانی، عباسعلی، *مبانی و روشهای تفسیر قرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.15.59.8.7]